

## بررسی علل تاثیرپذیری معماری گورکانیان از فرهنگ و معماری ایرانی «با تاکید بر دوره فرمانروایی بابر تا اورنگ زیب»

سید غلامعلی رخشان<sup>۱</sup>

### چکیده

نفوذ معماری ایرانی بر هند به زمان باستان بر می گردد. در دوره حکومت مغولان هند یا گورکانیان که خود از نوادگان تیموریان ایران بودند این تاثیر پذیری از معماری ایرانی بیشتر به چشم می خورد. ارتباط حکومت کورکانیان هند با صفویان در ایران پیوندهای فرهنگی بین ایران و هند و همسایگی این دو تمدن بزرگ و همچنین مهاجرت دانشمندان و نخبگان ایرانی به هند در دوره حکومت گورکانیان زمینه را برای تاثیرپذیری بیشتر بابریان هند از فرهنگ و تمدن ایرانی هموار کرد. در این بین معماری، از جمله مضامین فرهنگی است که تاثیر پذیری بابریان را از فرهنگ ایرانی به خوبی نشان می دهد. در این پژوهش سیر تاثیرپذیری معماری گورکانیان از فرهنگ ایرانی و دلایل آن بررسی می شود. این پژوهش بر پایه روش توصیفی- تحلیلی و بر پایه منابع کتابخانه ای صورت گرفت.

**واژگان کلیدی:** هند، ایران، مغولان کبیر، معماری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، اصفهان، ایران

## مقدمه

امپراتوری گورکانی یکی از بزرگترین امپراتوری‌های مسلمان و حتی جهان شمرده می‌شود. گورکانیان در برهه‌ای از تاریخ سراسر شبه قاره هند را پوشش داده بودند. آن‌ها بیش از سه قرن فرمانروایی کردند. اوج عظمت این امپراتوری مربوط به شش سلطان نخستین آن، یعنی بابرشاه، همایون شاه، اکبرشاه، جهانگیرشاه، شاه جهان و اورنگ زیب است که روی هم ۱۸۶ سال سلطنت کردند. رابطه گورکانیان با پادشاهان ایرانی خصوصاً شاه تهماسب و شاه عباس بسیار مطلوب و دوستانه بود و این امر زمینه توسعه و رونق فرهنگ ایرانی را در هند فراهم آورد. پادشاهان مغولی هند به فارسی سخن می‌گفتند و زبان فارسی نیز زبان رسمی دربار آنان بود. در این دوره زمینه مهاجرت دانشمندان و نخبگان ایرانی به هند فراهم گردید و آن‌ها به کمک سلاطین فرهنگ دوست گورکانی زمینه ترقی و توسعه فرهنگ ایرانی را فراهم آوردند. ایرانیان با حضور گسترده خود در دستگاه امپراتوری گورکانی، نقش‌های گوناگون و متنوعی در امور حکومتی پیدا کردند و امور حساس مملکت را به دست گرفتند، که باعث تقویت و تثبیت حکومت گورکانی و نیز پیاده کردن فرهنگ ایرانی - اسلامی در شبه قاره گردید. در عرصه معماری اقدامات بزرگ و ماندگاری صورت گرفت و آثار باشکوهی چون تاج محل، قلعه سرخ، مسجد جامع و بناهای متعدد دیگر و نیز شهرهایی چون فاتحپور سیکری و آگره احداث گردیدند. با توجه به این مطالب، سعی شده است تا در این مقاله به نقش و تأثیر ایرانیان و معماری ایرانی در آثار معماری عصر گورکانی پرداخته شود.

## تأثیر پادشاهان گورکانی از معماری ایرانی و توسعه آن در شبه قاره

قرن دهم و یازدهم هجری دوران توسعه حکومت گورکانیان و ساخت تعداد فراوانی از انواع فضاهای شهری و معماری در شبه قاره است. (بتلی، ۱۳۸۹: ۱۰) معماری جنوب آسیا مرهون حمایت امپراتوران گورکانی هند است که توانستند یکی از اخلاقی‌ترین و غنی‌ترین دوران‌ها را بوجود بیاورند. (کخ، ۱۳۷۳: ۱۰) گورکانیان به عنوان سلسله‌ای جدید و حکومتی روشنفکر بر سرزمین وسیع و دارای مردمی با فرهنگ‌ها و عقاید مختلف فرمانروایی می‌کردند. بنابراین از معماری به عنوان ابزاری برای خودنمایی و ابراز وجود آگاهی داشته و استفاده کردند. (کخ، ۱۳۷۳: ۱۴) آن‌ها اهمیت زیادی به معماری به عنوان نماد پادشاهی می‌دادند. تئوری آنها بیشتر در جهت ارتباط اصول اعتقادی و سبک معماری بود و به این منظور آن‌ها نه تنها به میراث تیموریان و چنگیزخان تکیه داشتند بلکه حکومت خود را بر پایه آن بنا نهادند. (گرابر و دیگران ۱۳۹۱: ۴۲۱) معماری گورکانی با ترکیبی از عناصر ناهمگن از معماری ماوراءالنهری، تیموری، ایرانی، هندی و اروپایی شیوه‌ای عالی پدید آوردند که خصوصیات فراگیر معماری گورکانی آن را از دیگر سبک‌های هنر معماری اسلامی پیش از آن‌ها در هند متمایز کرده و به آن جاذبه‌ای جهانی بخشیدند. (کخ، ۱۳۷۳: ۱۴) در ادامه به وضع معماری هند در دوره هریک از سلاطین گورکانی پرداخته می‌شود:

### معماری در دوره بابر شاه (۹۱۰-۹۳۷ ه.ق./۱۵۳۱-۱۵۰۴ م)

بابرشاه دوازده ساله بود که سلطان فرغانه شد. اما در جنگ با شیبک خان ازبک شکست خورد و فرغانه را از دست داد، ولی بعد از چند سال سرگردانی در سال ۹۱۰ ه.ق./۱۵۰۴ م. کابل را تسخیر نمود و در سال ۹۱۳ ه.ق./۱۵۰۶ م. لقب پادشاهی بر خود گذاشت. او در ادامه لشکرکشی های خود در سال ۹۳۲ ه.ق./۱۵۲۶ م. دهلی پایتخت هند را تسخیر و خود را امپراتور اعلام نمود. (اصغر، ۱۳۶۴: ۴۶-۴۷)

بنابراین بابر مدتی از عمر پادشاهی خود را در افغانستان و شهر کابل سپری نمود و در آنجا عمران و آبادانی به وجود آورد. او در ساختن باغ و عمارات شوق و ذوق سرشاری داشت و در حدود کابل به آبادی و ساخت ابنیه و باغ ها دست زد. (حبیبی، ۱۳۵۱: ۱۰۸) یکی از بناهایی که در زمان بابر در کابل معمور و مسکون شد قلعه ارگ است که اکنون به آن بالا حصار می گویند. (حبیبی، ۱۳۵۱: ۱۱۰)

بابر در توصیف این ارگ می گوید: «ارگ کابل بر بالای این کوه [خوری] است. قلعه طرف شمال ارگ است این ارگ غریب مرتفع و خوش هوا جایی واقع شده ..... در بهار باد شمال هرگز کم نیست..... در ارگ به طرف شمال و خانه ها دریچه دار بسیار خوش هواست.» (بابر، ۱۳۰۸ ق: ۸۱) از باغ های کابل در زمان بابر می توان؛ چهار باغ، باغ بهشت، باغ وفا، باغ صفا، باغ بنفشه، باغ خلوت و باغ صورت خانه را نام برد. (بابر، ۱۰۳۸ ق: ۱۵۹-۱۴۲-۱۲۶) باغ استالف را الغ بیگ به زور از مردم گرفته بود که بعد از وی بابر آن را از مردم خرید و جوی ها و خیابان های باغ را ساخت. (حبیبی، ۱۳۵۱: ۱۰۸) چنان که بابر خود می گوید: «استالف ..... کلان باغی است که الغ بیگ میرزا غصب کرده گرفته بود من به صاحبان او بهای آن باغ را داده گرفتم.» (بابر، ۱۳۰۸ ق: ۸۶) باغ صفا یادگار بابرشاه در جلال آباد و باغ وفا نیز از آثار وی نزدیک آدینه پور است. (علامی، ۱۸۹۳، ج ۲: ۱۹۲) بابر در توصیف باغ وفا می گوید: «صحن های او تمام سبز برکه زار درخت ها تمام سرخ و زرد درخت های نارنج سبز و خرم ... انارهایش خوب انارهاست» (بابر، ۱۳۰۸ ق: ۱۵۷) از بقایای بناهای دوران بابر در کابل تخت شاه می باشد که در دامنه کوه جنوبی کابل واقع است. (حبیبی، ۱۳۵۱: ۱۰۹) جهانگیرشاه در سفر خود به کابل این تخت را دیده و درباره آن می گوید: «دامنه کوه جنوب رویه کابل واقع است... حضرت فردوس مکانی [بابر] در آنجا نشسته شراب نوش جان فرمودند... نام مبارک خود را با ذکر تاریخ به دیوار صغه مذکور که متصل به کوه است نقش نموده اند که؛ تختگاه پادشاه عالم پناه ظهیر الدین بابر بن عمر شیخ گورکان خلد الله ملکه فی سنه ۹۱۴». (جهانگیر گورکانی، ۶۳: ۱۳۵۱)

با فتح هند توسط بابر، راه هنرمندان از آسیای میانه و ایران به هندوستان باز شد. وی در هند سنن آسیای میانه را رواج داد، باغ ها طرح کرد، عمارت ها ساخت و سبک تعمیر هند را با اختلاط این عناصر غنی تر کرد. (حبیبی، ۱۳۵۱: ۱۲۱-۱۲۰) بابر از دهلی به آگره رفت و اولین اقدام او پی افکندن باغی به تقلید از اسلوب باغ های ایرانی بود. (اسپیر، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۳) جهانگیر می گوید: «چون حضرت فردوس مکانی بابرشاه بعد از شکست دادن ابراهیم ولد اسکندر لودی... بر طرف شرقی آب جمه زمینی

خوش انتخاب کرده چهار باغی احداث فرمودند که در کم جایی به لطافت آن باغی بوده باشد نام آن گل افشان فرمودند. عمارت مختصری از سنگ سرخ تراشیده ساخته اند و مسجدی بر یک جانب باغ به اتمام رسیده.» (جهانگیرگورکانی، ۱۳۵۱: ۴) بابر بسیار با ذوق و ظریف بود او هر جا که می رفت باغی با اسلوب و سبک معماری و باغداری ایرانی بنا می کرد. (اسپیر، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۳) هند پیش از بابر سوابق درخشانی در زمینه ی معماری داشت علاوه بر این بابر نمونه هایی ارزنده از معماری را در سمرقند و هرات دیده بود، بنابراین معماری در هند در دوره ی بابر ابتکار و رنسانس نیست، بلکه تداوم سبک معماری در دوره های خلجیان و لودیان و تیموریان ایران می باشد. و این طرز و روش معماری باغ به وسیله ی بابر شاه به هندوستان انتقال یافت و مردم هند باغ ها ایجاد کرده و آن را کابل نامیدند. (حبیبی، ۱۳۵۱: ۱۱۶) بابر می گوید: «مردم هند از جهت اینکه به این طرح و به این اندام جاها هرگز ندیده بودند آن طرف جون را که این عمارت ها از آن طرف شده بود کابل نام نهاده اند.» (بابر، ۱۳۰۸ ق: ۲۱۱) بابر مدت کمی در هند پادشاه بود، اما در همین ایام کوتاه بخاطر علاقه ی وافر او به معماری بناهایی در آگره و دیگر شهرهای هند ساخته است. (حبیبی، ۱۳۵۱: ۱۱۶) در همین راستا بابر خود می گوید: «در یک آگره از سنگ تراشان همین آگره در عمارات من هر روز ششصد و هشتاد کس کار می کردند و دیگر در آگره و سیکری و بیانه و دولتپور و در کوالیا و در کول یک هزار و چهارصد و نود و یک سنگتراش هر روز در عمارتهای من کار می کردند.» (بابر، ۱۳۰۸ ق: ۲۰۵) از بناهای دوره ی بابر در هندوستان که خود در بابرنامه به آنها پرداخته می توان به این ابنیه اشاره کرد: چهار باغ آگره با چاه آب و حمام و حوض با سنگ مرمر سفید و تالار و باغچه و خلوت خانه که فرش این بناها از سنگهای سرخ بیانه بود. (بابر، ۱۳۰۸: ۲۱۰-۲۱۱) در شهر آگره زهره باغ، رام باغ و هشت بهشت نیز بنا گردیدند. (بابر، ۱۳۰۸ ق: ۲۴۵) ایوان کلان داخل قلعه آگره و عمارت سه طبقه، دارای سه ایوان و آب چاه و یک مسجد سنگی می باشد. (بابر، ۱۳۰۸ ق: ۲۱۸) در یک گروهی در طرف غرب دولپور باغ و عمارتی در بینی گاه یک کوه با سنگ سرخ احداث شده «باستاد شاه محمد سنگتراش فرموده شد که یک حوض مثنی... طرح کرد» و یک مسجد در کنار آن نیز بنا شد. (بابر، ۱۳۰۸ ق: ۲۲۳) ابوالفضل علامی درباره ی شهر آگره می نویسد: «آگره شهریست خوش هوا ... گیتی خداوند قلعه از سرخ سنگ و آن را روی آب چار باغی از فردوس مکانی [بابر] یادگار». (علامی، ۱۸۹۳ م، ج ۲: ۸۴) چارباغ پادشاهی در کنار رود جمنا مربوط به دوره ی بابری می باشد این باغ معروف، طرح ایرانی می باشد. (کخ، ۱۳۷۳: ۳۲-۳۴) عبارت "چار باغ" یک عبارت فارسی است که باغ های سلطنتی ایران به این نام معروف بودند و مغولان در هند با تأثیر از ایران آنها را می ساختند. (گراپر و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۲۲)

#### معماری عصر همايون شاه (۹۶۲-۹۳۷ ه.ق./۱۵۵۵-۱۵۳۱ م.)

همايون طی مدتی که در هرات بود در بزرگداشت میراث تیموری خود تور بزرگی از زیارتگاه ها و بناهای ایرانی برپا نمود، همايون در این سال ها فرصتی پیدا کرد تا شکوه معماری ایلخانیان، تیموریان

را از نزدیک مشاهده نماید. (گرابر و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۲۲) همایون و همسرش مدتی که در ایران بودند از بناهای گوناگون از جمله حرم امام رضا (ع)، مزار شیخ جام، گنبد سلطانیه و مجموعه شیخ صفی الدین اردبیلی دیدن کرده بودند. در پی این سفر و سفرهای متعددی که گورکانیان به ایران داشتند از خصوصیات و سنت های معماری ایران از جمله سنت باغ - مزار آگاهی یافتند و از این الگو در هندوستان استفاده کردند. (سلطان زاده، ۱۳۷۸: ۶۳) همایون عشق به باغ طراحی شده را از ایران با خود به هند آورد و ذهن هندی ها را با آن سازگار کرد. (گرابر و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۳۹) او از اولین کسانی بود که ساخت و ساز را به شکل گسترده در هند آغاز کرد اما بیشتر بناهای زمان وی از بین رفته است. (فلچر، ۱۳۸۸: ۱۳۱) نخستین سمبل معماری همایون مسجد کاجپورا است که به سبک تیموریان احداث شد و در شهر اگرا و نزدیک باغ بابر ساخته شد او در سال ۹۳۹ه.ق. / ۱۵۳۳م. شروع به ساخت "قلعه پورانا" در دهلی کرد که از ماسه سنگ قرمز ساخته شده بود. (گرابر و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۲۲) معماری هند از زمان همایون رنگ و بوی ایرانی گرفت. (نویسی، ۱۳۶۶: ۵۳۱)

### توسعه معماری در دوره اکبرشاه (۱۰۱۴-۹۳۶ه.ق. / ۱۶۰۵-۱۵۵۶م.)

دوره پررونق معماری مغولی هند بعد از تاجگذاری اکبرشاه دنبال شد. (گرابر و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۴۴) و اولین دوره اوج معماری گورکانیان در عصر اکبر شکل گرفت. (کخ، ۱۳۷۳: ۱۳۴) صنعتگران هندی تحت تعلیم استادان ایرانی مقبره همایون را در سال ۹۶۳ه.ق. / ۱۵۵۶م. در دهلی و در داخل باغی ساختند. باغ مذکور دارای شبکه ها و کانال هایی است که محورهای بنا را به مناظر اطراف می کشاند و آرمان ایرانی باغ بهشت را پیش می برد. (فلچر، ۱۳۸۸: ۱۳۲) این مقبره به شیوه مقبره های ایرانی مثل سلطانیه احداث گردید. معماران این مقبره میرک سید غیاث و پسرش سید محمد بودند. (گرابر و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۴۴) آرامگاه همایون، با سنگ سرخ ساخته شد و باغ آن کاملا به سبک چهار باغ اصفهان است. (نویسی، ۱۳۶۶: ۵۳۱) این بنا یکی از ایرانی ترین بناهای مغولی است که در آن کاشی کاری و ترکیب پیچیده ی شاه نشینهای قوسی شکل اطاق ها و ترتیب قرار گرفتن قبرها و گنبدها همه از عناصر وارداتی ایران و آسیای مرکزی هستند. (احمد، ۱۳۶۶: ۱۸۴) عرب سرای چند مقبره کوچک متعلق به افراد خانواده همایون و همچنین مدرسه "خیرالمنزل" و مقبره بیرم خان خان به سبک ایرانی ساخته شده اند. (نویسی، ۱۳۶۶: ۵۳۱)

در زمان اکبر ساختمان هایی با مقیاس بزرگ در شهر های آگره، دهلی، لاهور و دیگر شهر های هند احداث گردید کاخ های عظیم و سکونتگاه هایی در حومه شهر فاتح پورسیکری نیز ساخته شدند، که در ساخت آن ها از نقشه هایی با منشأ و مشتقات نقشه های عصر تیموری استفاد گردید. (کخ، ۱۳۷۳: ۱۳۴) اوج ساخت و ساز اکبرشاه بنیاد نهادن شهر جدید فاتح پورسیکری (۹۸۸-۹۷۶ه.ق. / ۱۵۸۰-۱۵۶۹م.) بود. (فلچر، ۱۳۸۸: ۱۳۳) ابوالفضل علامی در باره ی این شهر و بناهای آن می گوید: «فتح پور دهی بود از بیانه سیکری نام دوازده گروهی دارالخلافة بقدم لشکر خدا از گزین شهرهای روزگار

شد - سنگین قلعه اساس یافت و دو سنگین فیلی بر دروازه ی او شگفت آورد. والا کاخ ها به انجام رسید... و به فرمان کیهان خدا [اکبر] مسجدی و مدرسه و خانقاهی بر فراز آن کوه انجام یافت». (علامی، ۱۸۹۳م، ج ۲: ۸۴) جهانگیرشاه در مورد چگونگی بنیاد نهادن این شهر می گوید: «والد بزرگوارم موضع سیکری را... پایتخت ساختند. در عرض چهارده پانزده سال این کوه و جنگل پر از دد و دام شهری شد مشتمل بر انواع عمارات و باغات و منازل منز و جاهای خوش دلکش. بعد از فتح گجرات این موضع به فتحپور موسوم گشت». (جهانگیر گورکانی، ۱۳۵۱: ۲) در بناهای فاتح پورسیکری کاخ های قرمز قلعه آگره و قلعه لاهور، سکندریه، الله آباد و اجمیر، ابتکارات ایرانی در طاق و درگاه ها و هلال ها و شاه نشین ها و ایوان های ستون دار و بناهای اداری و بازاری و جلوخان مساجد و در محراب ها و مدخل ها در طاقچه ها و لوحه ها دیده می شود «از این ابداعات ستون های دراز ترک ترک بود با سرستون های آویزدار و پنجره های مشبک (مانند مسجد نطنز و مسجد علی اصفهانی) و استفاده بسیار از طرح های تزیینی به خصوص سرو، کاروانسراها و حیاط های کاخ ها مثلاً در اجمیر و الله آباد سبک ایرانی داشتند». (نوابی، ۱۳۶۶: ۵۳۱) در معماری اکبر از جمله "بلنددروازه" در پورسیکری عناصر ایرانی باقی مانده است. (مشاهدات مادر هند، بی تا، ۳۲)

اکبرشاه در اوایل حکومتش قلعه سرخ آگره را در سواحل رود جمنا بازسازی کرد. (فلچر، ۱۳۸۸: ۱۳۲) جهانگیر در این باره می گوید: «آگره از شهر های قدیم کلان هندوستان است بر کنار دریای جمنه قلعه کهنه داشت. پدرم پیش از تولد من آن را انداخته قلعه ای از سنگ سرخ تراشیده بنا نهادند که رونده های عالم مثل این قلعه نشان نمی دهند. در عرض پانزده شانزده سال به اتمام رسید مشتمل بر چهار دروازه و دو دریچه، سی و پنج لک روپیه که یکصد و پانزده هزار تومان رایج ایران ..... خرج این قلعه شده». (جهانگیر گورکانی، ۱۳۵۱: ۳) همچنین به دستور وی در مسیر جاده آگره به اجمیر ایستگاه هایی بر استفاده سلطنتی جهت شکار حیوانات به تقلید از نمونه های ایرانی که بر یک سلطنت باستانی استوار بود ساخته شدند. (کخ، ۱۳۷۳: ۶۷)

معماری دوره اکبر با اقتباس از شیوه های معماری تیموری ماوراءالنهر، هند و ایران به سوی نوعی معماری فوق منطقه ای توسعه یافت و به ویژگی های خاص خود نائل شد. (کخ، ۱۳۷۳: ۴۳) گرایش به آمیختن سبک های هندی و اسلامی در زمان اکبر اتفاق افتاد و در زمان او روش ها و مایه های ایرانی و هندی با هم آمیخته شد و هماهنگی لطیفی پدید آمد. (دورانت، ۱۳۶۷، ج ۱: ۶۸۳) در بناهایی که در زمان او به شیوه ایرانی ساخته می شد در کنار عناصر ایرانی عنصر راجپوت دیده می شود. (نوابی، ۱۳۶۶: ۵۳۱) در زمان اکبر اتحاد و پیوستگی میان فرهنگ هند و اسلام به اوج رسید بناهای فتح پورسیکری نمونه این وحدت هستند و به تشویق اکبرشاه معابد هندی به وسیله معماران هندی و با تقلید از آثار اسلامی ساخته شدند. (تارا چند، ۱۳۷۴: ۳۰۹-۳۰۸) از دیگر تأثیرات معماری ترکیبی هندو - اسلامی ساختن آرامگاه هایی توسط هندوان است. (تارا چند، ۱۳۷۴: ۳۱۳۰)

### معماری در دوره جهانگیر شاه (۱۰۳۷-۱۰۱۴ ه.ق. / ۱۶۲۸-۱۶۰۵ م.)

در زمان جهانگیرشاه، تزیین بیرونی و درونی بناها مورد توجه قرار گرفت و از مقرنس تزیینی و معرق کاری آب سنگ استفاده گردید. تبادلات فرهنگی بین ایران و هند در این دوره زیاد بود و در آثار معماری های موجود الگوهای واحدی در هر دو کشور دیده می شود. (سلطان زاده، ۱۳۷۸: ۶۴-۶۳) در بعضی از ساختمان های این دوره اشکال و سبک ایرانی دیده می شود و حیاط کاخ ها و کاروانسراها در اجمیر و الله آباد به سبک و شیوه ایرانی هستند. (نیرنوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۷۲) مهم ترین تصویر از معماری کاخ های جهانگیرشاه در قلعه شهر لاهور قابل مشاهده است. این بناها توسط عبدالکریم خان معمار ساخته شدند. (کخ، ۱۳۷۳: ۴۳) طراح معماری حمام برهانپور با طاقهای ماهرانه و طراحی های متنوع در عصر جهانگیرشاه ساخته شد که مهندس معمار این ساختمان ارزشمند محمدعلی مشهور به گرجی خراسانی بوده است. (کخ، ۱۳۷۳: ۹۲)

در عصر جهانگیر به علت بهبود روابط با ایران و نفوذ پیش از پیش فرهنگ ایرانی در هند آرامگاه هایی ساخته شد، که در همه آن ها آثاری از نفوذ ایرانی دیده می شود و از جمله می توان به آرامگاه فهیم خان، آرامگاه آصف خان و آرامگاه علی مردان خان اشاره کرد. (غروی، ۱۳۷۶: ۱۷۹) مهم ترین پروژه معماری دوره جهانگیرشاه مقبره پدرش اکبرشاه بود که به سبک تیموریان احداث گردید. (گرابر و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۲۵) در دوره جهانگیر بناهای کمی ساخته شد، در این عصر بیشتر به تجربه کردن و تکامل راه حل های انتخاب شده در عصر اکبر توجه می شد و تأثیر از معماری ایرانی صفوی اهمیت بسیاری داشت. (کخ، ۱۳۷۳: ۱۳۵) یکی از حامیان اصلی معماری عبدالرحیم خان خانان بود. اگر سخن مدیحه سرایی های او را باور کنیم، او هندوستان را به ایران تبدیل کرد. آثار و بناهای معماری شهر برهانپور مربوط به او می باشند. (کخ ۱۳۷۳: ۹۲) از دیگر حامیان معماری در زمان جهانگیر، بانو نورجهان دختر غیاث الدین تهرانی است. وی همانند جهانگیر به معماری باغ علاقمند بود و با او مشارکت داشت. (گرابر و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۳۱۰) اوج عظمت معماری گورکانی در عصر شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰۶۸ ه.ق. ۱۶۵۸-۱۶۲۸ م.)

دومین دوره اوج معماری گورکانی در عصر شاه جهان صورت گرفت. (کخ، ۱۳۷۳: ۱۳۵) شاه جهان مانند گذشتگان خود، حامی جدی معماری بود، او در دوران شاهزادگی در ضمیمه ارگ کابل، پارک شالیمار در سنگاپور، باغ شاهی در احمد آباد و کاخ ها و باغ های برهانپور نقش مهمی داشت. (گرابر و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۳۲) شاه جهان به خاطر آرامش و امنیت داخلی هند توانست به آرزوهای خود جامه عمل ببوشاند و با صرف میلیون ها روپیه، آثار باشکوهی چون تاج محل و تخت طاووس را به یادگار بگذارد و عظمت و شکوه امپراتوری تیموری هند را در ذهن نسل های آینده ترسیم نماید. (اصغر، ۱۳۶۴: ۲۸۳) شاه جهان حس هنر شناسی بسیار ظریفی خصوصاً در زمینه معماری داشت. او مدیر معماران عصر خود بود و شاهکارهای معماری تاج محل، قلعه سرخ و مسجد جامع دهلی و تجدید

بنای قلعه آگره بدون مدیریت او عملی و ممکن نبود. (اسپیر، ۱۳۸۷، ج ۲: ۶۶) با توجهی که وی به تشریفات داشت بلافاصله بعد از تاج گذاری دستور داد، تالارهای چهل ستونی به نام "چهل ستون" در لاهور و اکبر آباد ساختند که بر اساس مدل ساسانیان بودند. (گرابر و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۳۳) از دیگر اقدامات اولیه او پس از جلوس اینکه بر قبر پدرش جهانگیرشاه در شهر لاهور و در یک باغ واقع در کنار رودخانه، آرامگاهی بنا کرد. (کخ، ۱۳۷۳: ۹۸) این مقبره در بین مجموعه دیوار کشی شده در کنار رود راوی واقع شده که نمود و مفهوم باغ بهشت ایرانی است. (فلچر، ۱۳۸۸: ۱۳۹)

احداث قلعه سرخ در آگرا اولین معماری رسمی کاخ در دوره شاه جهان است و شامل مجموعه ای از سه حیات می باشد. (کخ، ۱۳۷۳: ۹۸) بازار سرپوشیده قلعه سرخ شاه جهان آباد در امتداد خود به یکی از دو راه اصلی شهر ختم می شود. این بازار مسقف و طویل از قوس های متقاطع ترکیب شده است و در هند منحصر به فرد بوده و از نمونه های موجود در اصفهان مایه و تاثیر پذیرفته است. (کخ، ۱۳۷۳: ۱۲۴)

از بناهای آرامگاهی در دوره شاه جهان، مقبره میرزا عزیز پسر آتقی خان در نظام الدین است، که ستون های ایرانی و سرستون های آویزدار و پنجره های مشبک ایرانی به کار رفته است. در سایر طرح های تزئینی از روی طرح های مقبره شیخ صفی در اردبیل و مسجدشاه در اصفهان و آستانه رضوی در مشهد تقلید و پیروی شده است. در شهرهای پنجاب، دهلی و آگره، عماراتی با کاشی های ایرانی تزئین شده است. مسجد وزیرخان، مسجد دایی آنکا، مسجد چنیان والی، مسجد نواب سرافرازخان، مقبره فهیم خان، مقبره ی آصف خان، مقبره ی علی مردان خان و موارد دیگر به سبک ایرانی ساخته شده اند. (نویسی، ۱۳۶۶: ۵۳۲)

بنای با عظمت و مجلل تاج محل از عجایب دنیا محسوب می شود. این بنا را شاه جهان به یاد همسر محبوب خود ممتاز محل احداث نمود. (چترجی و روی، ۱۳۸۹: ۳۴) این بنا متأثر از معماری ایرانی عصر تیموری بوده و در کنار رود جمنا در باغی به سبک ایرانی ساخته شد. (ولایتی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۱۹۷-۱۹۶) از استاد عیسی شیرازی به عنوان معمار تاج محل نام برده شد. ساختن تخت طاووس را به سعیدای گیلانی نسبت دادند. این دو بنا از جلوه های خاص و هنر ایرانی در حکومت بزرگ و مسلمان گورکانی می باشند. (ریاضی، ۱۳۹۰: ۴۷) آرامگاه اعتماد الدوله در شهر آگره از سنگ مرمر طلاکاری شده و سنگ های قیمتی در آن استفاده شد. این بنا به سبک و شیوه ایرانی پدیدآمده است. (احمد، ۱۳۶۶: ۱۸۷) شاه جهان با تأثیر از نورجهان بیگم ملکه ایرانی خود در ساخت بناهای هندی از سنگ مرمر سفید، مزین به سنگ های قیمتی و ستون های ایرانی استفاده کرد. (نویسی، ۱۳۶۶: ۵۳۲-۵۳۱) در زیارتگاه معین الدین چشتی در اجمیر مسجدی به شیوه تیموریان ساخته شد که آن را با کعبه مقایسه می کنند. در طول نمای این مسجد کتیبه ای به فارسی نوشته شده است. به فرمان شاه جهان در لاهور، ساختمان های سلطنتی را با مرمر بازسازی کرده اند. (گرابر و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۳۳-)



۴۳۲) باغ شالیمار لاهور، باغ فیض بخش و فرح بخش و باغ کشمیر از باغ های اصلی دوره شاه جهان محسوب می شوند. آب باغ کشمیر، توسط یک نجیب زاده ایرانی به نام علی مردان خان سازمان یافته بود. (کخ، ۱۳۷۳: ۱۱۶) علی مردان خان یکی از معماران ایرانی است که در سال ۱۰۵۸ ه.ق. / ۱۶۴۸ م. به دربار گورکانیان پناهنده شد و به دلیل اطلاعات که درباره معماری و مهندسی ساختمان داشت مشاور شاه جهان در زمینه فعالیت های عمرانی شد. (کخ، ۱۳۷۳، مقدمه مترجم: ۳) احداث "شاه نهر" به همت علی مردان صورت گرفت. او به عرض شاه جهان رسانده که یکی از همراهان وی در حفر قنات آگاهی و مهارت کامل دارد و متعهد می شود که از جایی که آب رودخانه راوی از کوهستان بر آمده و بر زمین هموار می رود، نهری جدا سازد که باغ و بستان های شهر لاهور را آبیاری نماید. محمد صالح کنبو در همین خصوص می گوید: «علاء الملک تونی که از آب ترازو و علوم غریبه وقوف تمام دارد، تا پنج کره نهر آورده علی مردان خان را به حال داشته سی و دو کره را نوبر نموده آب وافر بی فتور بیباغات می رسد». (کنبو، ۱۹۶۷ م، ج ۲: ۲۶۰-۲۵۹) درباره باغ فیض بخش و فرح بخش مؤلف کتاب آداب عالمگیری می نویسد: «باغ فیض بخش که در بیرون دارالسلطنت بسمت دهلی واقع است منزلگاه نصرت شود، مقرر فرمودند [شاه جهان] که خود به دولت بر سیل عبور، شهر را از فیض قدوم نورآگین ساخته ظل ورود به باغ اندازد». (مطلبی انبالوی، ۱۹۷۱ م، ج ۲: ۱۰۵۱) از دیگر باغات عصر شاه جهان؛ «باغ خلد آئین که مشتمل بر عمارات دلنشین عالی نشان و عالی شأن و زهت و صفا گل سرسبز باغ جهان است..... باغ مذکور از نزول همایون [شاه جهان] آخرمی و نظارت پذیرفت». (مطلبی انبالوی، ۱۹۷۱ م، ج ۲: ۱۰۵۳-۱۰۵۲) بسیاری از اصطلاحات معماری در دوره گورکانیان به زبان فارسی بوده است. بخشی از آن ها نمایانگر نفوذ فرهنگ ایران و زبان فارسی در هند است. معماری ایرانی منشأ الهام بسیاری از آثاری بود که در آنجا طراحی و ساخته می شد. (کخ، ۱۳۷۳، مقدمه مترجم: ۲) در هندوستان یک مکتب معماری جدید تکامل یافت که ترکیبی از افکار هندی با الهامات ایرانی بود. (لعل نهر، بی تا: ۶۲)

### معماری گورکانی در عصر اورنگ زیب (۱۱۱۸-۱۰۶۸ ه.ق. / ۱۷۰۷-۱۶۵۸ م)

فعالیت های اورنگ زیب در زمینه معماری نسبت به پدرش شاه جهان ناچیز شمرده شده و کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. اورنگ زیب تعداد زیادی ساختمان احداث نمود که بیشتر این بناها بر اساس اعتقادات دینی وی و جنبه عمومی و دینی داشتند. (کخ، ۱۳۷۳: ۱۲۵) نخستین اقدام اورنگ زیب بعد از تاجگذاری ساخت مسجد مروارید در ارگ شاه جهان آباد بود، در این مسجد بیشتر معماری مذهبی به کار گرفته شده است. (گرابر و دیگران، ۱۳۹۱: ۴۳۸) او کاخ بزرگی نساخت اما بناهایی به کاخ شاه جهان اضافه کرد. (کخ، ۱۳۷۳: ۱۲۵) جالب ترین ساختمان عصر اورنگ زیب مسجد پادشاهی در لاهور است که از مسجد شاه جهان در قلعه آگرا تقلید شد. (کخ، ۱۳۷۳: ۱۲۹) اورنگ زیب یک باغ در جنوب شرقی فاتح آباد ساخته است. (کخ، ۱۳۷۳: ۱۲۵) اینبه و باغات دوره اورنگ زیب در لاهور به

سبک ایرانی ساخته شدند. (نیرنوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۷۷) مقبره "بی بی رابعه دورانی" همسر اورنگ زیب آخرین بنای بزرگ به سبک معماری ایرانی در هند است که بسیار دلایز و دلربا است این بنا به امر اورنگ زیب ساخته شد. در ساخت این آرامگاه از خصوصیات تاج محل اقتباس گردید هر چند از نظر لطافت و عظمت به پای تاج محل نمی رسد. (نوابی، ۱۳۶۶: ۵۳۳) معمار این بنا عطاء الله فرزند استاد احمد معمار می باشد. (سلطان زاده، ۱۳۷۸: ۶۶)

### نقش ایرانیان در احداث تاج محل

تاج محل قبر ارجمند بانو ملقب به ممتاز محل همسر شاه جهان پنجمین پادشاه گورکانیان هند است. او دختر آصف خان ایرانی بود که خانواده او در زمان اکبر به هندوستان رفته بود و خود و پدرش میرزا غیاث الدین به مقام صدارت نائل شدند. (سلطان زاده، ۱۳۷۸: ۶۷) پس از وفات ممتاز محل در سال ۱۰۴۰ ه.ق. / ۱۶۳۱ م. نخست از روی تعجیل گنبدی مختصر بنا نهادند و آنگاه روضه عالی بنیان نهادند، سراسر آن الواح، سنگ مرمر بوده و دور آن باغی دلنشین ترتیب دادند. یک طرف آن مسجدی رفیع بنا نهادند و طرف دیگر قرینه آن مهمانخانه ای عالی ساختند و اطرافش حجره‌ها و ایوان‌های دلگشا احداث کردند. پیش دروازه آن چندین چوک به شیوه نود و سراهای فرح افزا که به فراخی و گشادگی میدان و شکل و کیفیت آن بر روی زمین مثل و ماندنی ندارد. بنای این عمارت بیست سال طول کشید و با صرف پنجاه لک روپیه باتمام رسیده و «به نهایت بلندی قدر و منزلت و ارجمندی، زیب و زینت آبروی کهن طارم چرخ کبود گردید». (کبنو، ۱۹۶۷ م، ج ۱: ۳۷۶)

طرح عمارات روضه مطهره ممتاز الزمانی در سال پنجم جلوس ۱۰۴۲ ه.ق. / ۱۶۳۳ م. در کنار دریای جون پیاده و احداث آن آغاز گردید. (کبنو، ۱۹۶۷ م، ج ۲: ۳۱۵) بسیاری از معماران، آن را کامل ترین بنای روی زمین دانسته اند. طرح آن را سه هنرمند کشیده اند؛ یک ایرانی به نام عیسی شیرازی، یک فرانسوی به نام اوستن دوپردو و یک ایتالیایی به نام ورونووی. سبک این بنا اسلامی است و ساخت آن مدت ۲۲ سال طول کشید و حدود بیست و دو هزار کارگر در آن کار می کردند. (دورانت، ۱۳۶۷، ج ۱: ۶۸۵) در ساخت این بنا بیش از ۴۳ نوع سنگ گران قیمت استفاده شده است. (چترجی وروی، ۱۳۸۹: ۳۴) بر خلاف نقاشان که دوره مغولان هند، اکثرا زیر آثار خود را امضا می کردند، نام معماران به ندرت مورد استفاده قرار می گرفت، هر چند کسانی که بر کار ساختمان سازی نظارت می کردند نام آنها معلوم است اما نقش آن‌ها دقیقاً مشخص نیست. (کخ، ۱۳۷۳: ۱۴) بنابراین در مورد معمار یا معماران تاج محل اطلاعات موثق و دقیقی در دست نیست و حتی در کتب پادشاه نامه و عمل صالح که به عناصر و بخش‌های گوناگون تاج محل پرداختند از معمار یا معماران آن سخن نگفته اند. اما در برخی از متون متأخر به استاد عیسی شیرازی اشاره شده است. همچنین از استاد حمید و احمد لاهوری نیز نام برده اند. برخی از پژوهشگران به یک نسخه خطی اشاره کرده اند که در آن به نام استاد عیسی شیرازی نقشه نویس و امانت خان شیرازی طغرا نویس اشاره شده است. (سلطان زاده، ۱۳۷۸: ۱۱۹)

میرعبدالکریم چهره سرشناس معماری دوره شاه جهان به همراه مکرمات خان کار نظارت بر تاج محل را که مشهورترین بنا بود برعهده داشتند. (کخ، ۱۳۷۳: ۹۶) از محمدخان شیرازی به عنوان یکی از معماران تاج محل نام برده شد. (ارشاد، ۱۳۶۵: ۲۷۵) در بین هنرمندانی که در بنای تاج محل نقش داشتند؛ نام وهاب خان محمد شریف سمرقندی، محمد سجاد بلخی و آرامحمد بخارایی دیده می شود. (نیر نوری، ۱۳۷۵، ج ۲: ۴۷۷) طراحی معماری تاج محل بر اساس فرهنگ و سنت طراحی و باغ های ایرانی صورت گرفته است. بنابراین معمار یا معماران آن یا ایرانی بودند یا از فرهنگ معماری ایرانی آگاهی داشتند که چنین مجموعه ای را طراحی کردند. (سلطان زاده، ۱۳۷۸: ۱۲۱)

تاج محل نوعی باغ - مزار است. یعنی آرامگاه یا مزاری که در یک باغ قرار گرفته باشد. نحوه ترکیب و تلفیق این باغ - مزار به شکلی است که نمونه آن در ایران وجود ندارد اما الگوی آن بر اساس معماری ایرانی استوار است و این درست است چون تاج محل در تداوم طراحی و معماری ایرانی ساخته شده است و نمونه هایی مثل آن قبلا در هندوستان وجود نداشته است. (سلطان زاده، ۱۳۷۸: ۱۳) عرصه باغ تاج محل با طراحی چهار باغ که یکی از الگوهای طراحی باغ ایرانی است ساخته شد. طرح چهار باغ در ایران به دو صورت بود، در یک حالت خیابان یا معبر دارای انواع درختان سایه دار و تزیینی و میوه دار بود که برای عابران پیاده و اوقات فراغت مردم می ساختند، مانند چهار باغ اصفهان. در حالت دوم عرصه مربع شکل توسط چهار معبر یا خیابان به چهار قسمت به صورت مربع شکل تقسیم می شد و تاج محل از این نمونه است. (سلطان زاده، ۱۳۷۸: ۹۲) محمد صالح کنبوی مورخ شاه جهان نامه در مورد خصوصیات معماری باغ تاج محل می گوید: «باغی است فردوس آیین و گلشنی است ارم تزیین». (کنبوی، ۱۹۶۷م، ج ۲: ۳۱۸) طول و عرض آن سیصد و شصت و هشت گز بوده و دارای درختان میوه دار و ریاحین تازه است «همانا سوادش خال جبین سرتاسر متنزهات روی زمین است و برچمن فیض آیینش چون چمن روضه رضوان دلگشا و دلنشین». (کنبوی، ۱۹۶۷م، ج ۲: ۳۱۸) درختان سرسبز و دلکش که بر آب حیات سرمد خورده اند، در چهار خیابان وسط باغ نهی است با فواره های نورافشان و جوشان، در وسط باغ جیبوتره ای است که نهر آب اطراف آن را فرا گرفته و در میان آن یک حوض قرار گرفته که پر از آب است و اطراف آن را فواره های جوشان دیده می شود که گویی چراغان در دل روز افروز گشته اند. (کنبوی، ۱۹۶۷م، ج ۲: ۳۱۸) کنبوی در ادامه می گوید: «القصه خصوصیات این حدیقه خلد آیین و حقایق خیابانش که سرتاسر از سنگ سرخ است و شاه نهر مجره نشان و حوض نوآیینش که از عالم لوحی از بلور صفا احداث پذیرفته بجایی رسیده که مزیدی بر آن متصور نباشد و ادنی وصفش در حوصله سخن گنجای ندارد». (کنبوی، ۱۹۶۷م، ج ۲: ۳۱۸)

در بسیاری از بناها و مجموعه های بزرگ ایرانی از اصل مرکزیت، اصل تقارن و اصل سلسله مراتب استفاده می کردند تا بتوانند یک مجموعه را هر چه باشکوه تر بسازند. کاربرد اصل مرکزیت در معماری سنتی ایران معمول بوده است، مثل معبد چغازنبیل که مهم ترین فضای این مجموعه در بلندترین

نقطه و مرکز آن واقع است. در تاج محل علاوه بر رعایت اصل تقارن و سلسله مراتب، مهم ترین عمارت مجموعه یعنی مزار در امتداد محور مرکزی واقع است. (سلطان زاده، ۱۳۷۸: ۱۰۳) در غرب روضه مسجدی است به طول هفتاد و عرض سی گز که درون آن ها از سنگ سرخ و بیرون آن ها از سنگ مرمر است و پایین دیواره مسجد از درون و بیرون به سنگ مرمر زرد و سیاه پرچین کاری گردید. قرینه مسجد و در قسمت شرق روضه یک مهمانخانه بنا گردید که در مجموع جزئیات به غیر از محراب مانند مسجد است. در چهار کنج آن سنگ سرخ به کار رفته و سقف گنبدی دارد که درون آن از سنگ سرخ و بیرون آن سنگ مرمر است. (کنبوی، ۱۹۶۷، ج ۲: ۳۱۷) در بخش نمای خارجی تاج محل نفوذ ایرانی کاملاً به چشم می خورد اما در جزئیات و بخش های درونی ساختمان نفوذ عناصر هندی بیشتر است. (کونل، ۱۳۵۵: ۲۱۵) تاج محل از سبک صفوی تقلید نموده و اختلافات و انحرافات کمی نسبت به سبک صفوی دارد. این بنا مظهر هنر ایرانی در سرزمین شبه قاره است. (غروی، ۱۳۸۵: ۱۸۰) چنانکه جواهر لعل نهرو می گوید: «تاج محل آرامگاه زن محبوب شاه جهان در شهر آگره معروف ترین ساختمان های آن زمان است که دانشمند فرانسوی آن را «روح ایرانی در کالبد هندی تجسم یافته» توصیف کرده است». (لعل نهرو، بی تا: ۶۲)

### مسجد جامع دهلی

ساخت بناهای خیر نافع ترین خیر است، خصوصاً احداث مساجد. به حکم قرآن و سنت موجب تأسیس بنیاد ایمان و باعث بنیان قصرها و منازل بهشتی است. چنانچه قرآن کریم می فرماید: «نما یعمر مساجد الله الا من آمن بالله و الیوم الآخر» به همین خاطر در هر بقعه از بقاع هندوستان که به مصداق "ارض الله واسع" می باشد و ابنیه خیر در آن جا بنا شد شاه جهان امر به احداث بنای خیر نمودند و مساجد و بقاع خیر فراوان اساس یافته است. (کنبو، ۱۹۶۰، ج ۳: ۵۱) «اما مسجد جامعی که متانت بنیان در خور رفعت شأن و علو مکان عمارات عالیه این شهر عظیم الشان آسمان نشان باشد تا غایت اساس نیافته بود رأی جهان آرای اقتضای بنای مسجد عالی بنیان رفیع العماد نمود که فسحت چار دیوارش زیاده بر مساحت ساحت سبع شداد بود و رصانت چرخ چنبری با متانت اساس دم از برابری نیاورد». (کنبو، ۱۹۶۰، ج ۳: ۵۱)

مورخ شاه جهان نامه که خود معاصر شاه جهان و شاهد امور بود مفصل به شرح بنای این مسجد پرداخته و می گوید: «دهم شوال سال هزار و شصت هجری مهندسان اعجاز طراز اول و معماران هندسه پرداز در حضور علامی سعدالله خان و فاضل خان بر کوهیچه جانب غرب سمت قلعه که به فاصله هزار گز واقع است..... رنگ آن بنیاد خیر را بر وفق مراد اساس نهادند. تا اتمام این مکان فیض نشان هر روز پنج هزار کس از بنا و سنگتراش و پرچین کار و منبت کار و نقاش و حکاک و بیلدار و دیگر عمله و فعله چه از مکان دارالخلافه و چه اطراف و اکناف ممالک که به حکم اشرف جمع آمده بودند به کار می پرداختند». (کنبو، ۱۹۶۰، ج ۳: ۵۱-۵۰) این مسجد دارای سه گنبد عالی بوده و از سنگ سرخ و مرمر

صفا و پرچین، سنگ سیاه بود و صحن باصفای آن سراسر به سنگ سرخ فرش شده بود. در مدت شش سال و با صرف ده لک روپیه و با اهتمام و حمایت سعدالله خان و خلیل خان به اتمام رسید. (کنبو، ۱۹۶۰م، ج ۳: ۵۱-۵۰) سعد الله خان در زمان شاه جهان به وزارت کل هندوستان منصوب شد. (کنبو، ۱۹۶۰م، ج ۳: ۳۸۰-۳۸۱) فاضل خان ایرانی بود وی در هندسه و ریاضی و هیئت در مرتبه کمال بود ترقی و تفصیل تحصیل ابواب دانش را در ایران سپری کرد، سپس به هندوستان مهاجرت کرد و به درگاه آصف خان رفت و به فاضل خان معروف شد. وی در زمان اورنگ زیب به پایه وزارت کل هندوستان نائل شد. (کنبو، ۱۹۶۰م، ج ۳: ۳۸۱-۳۸۰) بر پیشانی ایوان های مسجد جامع دهلی آیات و کلمات و بینات قرآنی به خط میرعلی تبریزی نوشته شده است. در اضلاع چهار گانه مسجد حجره های دلنشین و دارالشفاء و مدرسه، با کمال نزهت و صفا ساخته شد. (کنبو، ۱۹۶۰م، ج ۳: ۵۴)

### نتیجه

تأسیس حکومت مغولان کبیر در هند، زمینه ورود و توسعه فرهنگ ایرانی به آن کشور را بیش از پیش فراهم نمود و فرهنگ ایرانی در زمینه های مختلف از جمله معماری پیشرفت چشمگیری داشته و تأثیری عمیق و میراثی بزرگ به جا گذاشت که هنوز برخی این آثار باقی هستند.

سه عنصر مهم، موجب توسعه معماری در هند گردیده و آن را به اوج کمال رساندند. عنصر اول پادشاهان گورکانی هستند، که با فرهنگ غنی و کهن ایرانی تربیت یافته بودند و همین آشنایی موجب علاقمندی آن ها با آن فرهنگ شد و در نتیجه معماری را که یکی از مظاهر فرهنگ است را به عنوان ابزاری برای خودنمایی استفاده کردند و بناهای ماندگار و شهرهای باشکوهی احداث کردند. یکی از عوامل توفیق آن ها در امر معماری توجه و توسعه فرهنگ غنی ایرانی خصوصا توجه به معماران ایرانی و الگو قرار دادن معماری ایرانی-اسلامی است. لذا اولین دوره اوج معماری گورکانیان در زمان اکبرشاه شکل گرفت و ابنیه فراوانی در شهرهای مختلف هند احداث گردید. دومین دوره اوج معماری گورکانی در دوره شاه جهان شکل گرفت و آثار باشکوهی چون تاج محل، قلعه سرخ، مسجد جامع و بناهای متعدد دیگر یادگار دوران اوست و نیز شهرهایی چون فاتحپور سیکری و آگره احداث گردیدند. عنصر دوم، مردم هند بودند که البته قبلا با فرهنگ ایرانی بیگانه نبودند. نفوذ معماری ایرانی به هند به زمان امپراتوری موریان در شهر پاتلی پوترا بر می گردد که به تقلید از معماری و هنر هخامنشی می باشد. پس از ورود مسلمانان به هند این زمینه ی عمیق تر و عجین تر شد و نخستین تحولات در سبک معماری هند و ایرانی در دوره ی اسلامی از بناهای مساجد شروع شد سپس دامنه آن به مقبره ها کشیده شد و توسعه یافت و این سبک به سرعت در قصرها و کاخ های پادشاهان راجپوت و حکام هندی نفوذ پیدا کرد. پس از استقرار گورکانیان، معماری ایرانی رفیع تر گردید بلکه به اوج خودش رسید، و این امر با حمایت، همکاری و علاقمندی مردم هند ممکن گردید. عنصر سومی که ابزار و عوامل اساسی در توسعه فرهنگ ایرانی در دوره مغولان کبیر در هند به شمار می رود، مهاجرین

دانشمندان و نخبگان ایرانی هستند که چون حکومت گورکانیان در هند استقرار یافته عاشقانه به هندوستان رفتند و با حمایتی که از سوی سلاطین مغولی صورت گرفت، ضمن کمک به آنان در اداره کشور، توانستند ارزش های فرهنگ کهن و پرمایه ایرانی به ویژه هنر معماری را احیا و به منصفه ظهور برسانند. آنان در ساخت بیشتر بناهای هندی مانند قلعه ها، کاخ ها، مقبره ها و باغ ها نقش مستقیم بلکه تعیین کننده داشتند. بی تردید، نقش ایرانیان در آثار معماری عصر گورکانی انکار ناپذیر است، تاجایی که دانشمند فرانسوی تاج محل بنای مشهور هند را؛ «روح ایرانی در کالبد هندی تجسم یافته» توصیف کرده است. مجموعه این عوامل و عناصری که ذکر شد، توانستند هندوستانی بوجود بیاورند آمیخته با فرهنگ ایرانی، به گونه ای که مرز فرهنگی در بین این دو کشور همسایه وجود نداشت. به ویژه نمود این فرهنگ در هنر معماری متبلور گردید و اکنون نیز دیده می شود.

### منابع و مأخذ

- احمد، عزیز، (۱۳۶۶)، تاریخ تفکر اسلامی در هند، ترجمه نقی لطفی و جعفر یاحقی، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان.
- ارشاد، فرهنگ، (۱۳۶۵)، مهاجرت تاریخی ایران به هند، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- اسپیر، پرسپوال، (۱۳۸۷)، تاریخ هند، ترجمه همایون صنعتی زاده، ج ۲، چاپ اول، قم، نشر ادیان.
- اصغر، آفتاب، (۱۳۶۴)، تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان، لاهور، انتشارات و چاپخانه سیدسند.
- امیری، کیومرث، (۱۳۷۴)، زبان و ادب فارسی در هند، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بتلی، کلود، (۱۳۸۹)، گسترش طراحی در معماری هند، ترجمه حسین سلطان زاده، چاپ اول، تهران، انتشارات چهارطاق.
- تاراچند، (۱۳۷۴)، تأثیر اسلام در فرهنگ هند، ترجمه علی پیرنیا و عزالدین عثمانی، چاپ اول، تهران، انتشارات پاژنگ.
- چترجی، مانینی وروی، آیتا، (۱۳۸۹)، تاریخ فرهنگ و تمدن هند، ترجمه رضا آقابادستجردی، چاپ اول، تهران، انتشارات سبزان.
- حبیبی، پوهانه عبدالحی، (۱۳۵۱)، ظهیرالدین محمد بابرشاه، کابل.
- دورانت، ویل، (۱۳۶۷)، مشرق زمین گاهواره تمدن، ج ۲، مترجمان احمد آرام و دیگران.
- ریاضی، حشمت الله، (۱۳۹۰)، شکوفه های عرفان در بوستان هندوستان، چاپ اول، تهران، انتشارات قلم.
- سلطان زاده، حسین، (۱۳۷۸)، تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج محل، چاپ اول، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.

- جهانگیر گورکانی، نورالدین محمد، (۱۳۵۹)، جهانگیرنامه موسوم به توزک جهانگیری، به کوشش محمد هاشم، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- علامی، ابوالفضل، (۱۸۹۳م)، آیین اکبری، مجلد ۱ و ۲ و ۳، لکنه، ناشر: نولکشور.
- کنبو، محمد صالح، (۱۹۶۷م)، عمل صالح موسوم به شاه جهان نامه، ترمیم و تصحیح دکتر وحید قریشی، ترتیب و تحشیه دکتر غلام یزدانی، مجلد ۱ و ۲ لاهور، ناشر: سید امتیاز علی تاج، ستاره امتیاز ناظم مجلس ترقی ادب.
- کنبو، محمد صالح، (۱۹۶۰م)، عمل صالح موسوم به شاه جهان نامه، ج ۳، لاهور، ناشر: کریم احمد خان مجلس ترقی ادب.
- مطلبی انبالوی، صادق، (۱۹۷۱م)، آداب عالمگیری، به تصحیح و تهذیب عبدالعزیز چودهری، ج ۲، لاهور، انتشارات اداره تحقیقات پاکستان.
- غروی، مهدی، (۱۳۸۵)، جادوی رنگ، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- غروی، مهدی، (۱۳۷۶)، آرامگاه در گستره فرهنگ ایرانی، چاپ اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فلچر، بنیستر، (۱۳۸۸)، معماری اسلامی، ترجمه سمانه قرایی، چاپ اول، تهران، نشر مقدس.
- کخ، ابا، (۱۳۷۳)، معماری هند در دوره ی گورکانیان، ترجمه حسین سلطانزاده، چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- کونل، ارنست، (۱۳۵۵)، هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، چاپ دوم، تهران، انتشارات توس.
- کیانی، محمد یوسف، (۱۳۸۳)، تاریخ هنر معماری ایران در دوره ی اسلامی، چاپ ششم، تهران، انتشارات سمت.
- گرابر، اولگ و دیگران، (۱۳۹۱)، معماری اسلامی، ترجمه اکرم قیطاسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سوره مهر.
- لعل نهر، جواهر، (بی تا)، روابط هند و ایران و چند اثر دیگر از جواهر لعل نهر، ترجمه محمود تفضلی.
- مؤلف نامعلوم، مشاهدات ما در هند (سخنرانی هایی از چند شخصیت برجسته ی ایرانی)، (بی تا)
- نوایی، عبدالحسین، (۱۳۶۶)، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، چاپ دوم، تهران، مؤسسه نشر هما.
- نیرنوری، عبدالحمید، (۱۳۷۷)، سهم ارزشمند ایران در فرهنگ جهان، ج ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

- ولایتی، علی اکبر، (۱۳۸۳)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۲، چاپ سوم، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- هادلاید، مادلین و گوتس، هرمان، (۱۳۷۶)، هنر هندوایرانی-هندوآلامی، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران، انتشارات مولی.
- یکتایی، مجید، (۱۳۵۳)، نفوذ فرهنگ و تمدن ایران و اسلام در سرزمین هند و پاکستان، چاپ اول، تهران، انتشارات اقبال.
- کاظم زاده، محمدرضا، (۱۳۸۹)، الگوهای معماری هند، کتاب ماه هنر، شماره ۱۴۹، صص ۹۳-۸۰.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی